

تبیین دامنه مفهوم «میدان» و طیف مصادیق آن در دوره قاجاریه، مبتنی بر نقشه‌های تاریخی

مهنام نجفی^۱، رضا شکوری^{۲*}

۱- دانشجوی دوره دکتری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲- استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳)

چکیده

هدف این مقاله درک دامنه مفهوم «میدان» در دوره قاجاریه و تبیین طیف مصادیق آن در این دوره، مبتنی بر نقشه‌های تاریخی موجود است. دوره قاجاریه دوره آغاز نقشه‌برداری با فنون مدرن در ایران است که تهیه نقشه‌های مفصل از شهرهای ایران با دقت بی‌سابقه را میسر ساخت. این نقشه‌ها اسناد مستعدی برای فهم اجزای شهر در این دوره به دست می‌دهد و درک آنها را در شبکه روابطی ممکن می‌کند که کلیت شهر را شکل می‌دهد. «میدان»، به مثابه یکی از اجزای اصلی شهر قاجاری، نقش بارزی در بسیاری از این نقشه‌ها دارد، همانچه این اسناد را به منابع قابل‌ی برای پیگیری مفهوم «میدان» در این دوره تبدیل می‌کند. حدود سی نقشه تاریخی از شهرهای ایران در این دوره موجود است که در ۲۱ مورد آن می‌توان رد و نشانی از «میدان» یافت. در این مقاله، با بررسی مصادیق متعدد میدان در این نقشه‌ها، نقش و موقعیت آنها در شهر و و کارکرد آنها در نسبت با دیگر اجزا و همچنین فرم و ویژگی‌های صوری‌شان به دو پرسش اصلی درباره دامنه و محدوده مفهوم میدان در این دوره و انواع مصادیق آن می‌پردازیم و برای بسط و تعمیق یافته‌ها به منابع مکتوب درجه اول و دوم رجوع می‌کنیم. در این جستجو، نخست، طیف مصادیق «میدان» را عیان می‌سازیم و تلاش می‌کنیم تعریفی از مفهوم آن عرضه کنیم و سپس، مبتنی بر ویژگی‌های بارز و پربسامد مصادیق مختلف به تبیین انواع آن می‌پردازیم. به این ترتیب، با ابنا بر نقشه‌ها و رجوع به متون، به روش تفسیری - تاریخی مفهوم «میدان» را در بستر اجتماعی - تاریخی در بر گیرنده‌اش تبیین می‌کنیم. نتیجه این جستجوها دامنه گسترده و منعطف مفهوم میدان را در دوره قاجاریه عیان می‌سازد و بازتعریف آن را مبتنی بر این دریافت تازه میسر می‌سازد: هر عرصه نامسقف و گشاده در شهر که محدوده‌ای نسبتاً مشخص را شامل شود و مجالی برای فعالیت یا رویدادی فراهم آورد؛ همچنین، تبیین انواع مصادیق «میدان» را در قالب چهار نوع اصلی ممکن می‌کند: میدان حکومتی، میدان بازار، میدان محله، و میدان مجلس.

کلید واژه‌ها: میدان، دوره قاجاریه، نقشه‌های تاریخی، دامنه مفهوم، انواع مصادیق

* - نویسنده مسئول: Email: rezashakouri@gmail.com

پرسش‌های پژوهش

مبتنی بر نقشه‌های شهری دوره قاجاریه، دامنه مفهوم «میدان» چه بوده و چه طیفی از مصادیق را در بر داشته است؟

– مفهوم «میدان» در این دوره چگونه تعریف و تحدید می‌شود؟

– انواع مصادیق «میدان» در این دوره چه بوده است؟

۱- مقدمه

مفاهیم معماری و شهر مفاهیمی بسیط و ثابت نیستند؛ آن‌ها در گذر زمان متحول می‌شوند و متأثر از بستر مکانی و زمانی خود معانی و مصادیق متفاوتی می‌یابند. تعمق در این مفاهیم فارغ از تبارشناسی آن‌ها و جستجوی چگونگی تحولات آن‌ها در گذر زمان میسر نیست. فهم ما از تاریخ معماری و شهرهای ایران نیز در گرو فهم این مفاهیم در بستر زمانی آن‌هاست. «میدان» از اجزای اصلی شهر در ایران و از مفاهیم کهن حوزه معماری و شهرسازی ماست. دوره قاجاریه، به شهادت نقشه‌ها و متون تاریخی، دوره رونق و پویایی «میدان» در بستر شهر است. این دوره، همچنین، طلیعه دورانی است که به مثابه «معاصر» می‌شناسیم و بستر زمانی زندگی امروزمان تلقی می‌کنیم. فهم «میدان» در دوره قاجاریه هم شناخت صحیحی از این مفهوم را در یکی از مهم‌ترین برهه‌های تاریخی آن میسر می‌سازد و یکی از اجزای اصلی شهر قاجاری را روشنی می‌بخشد و هم مبنای درخوری برای پیگیری مفهوم معاصر «میدان» به دست می‌دهد. برای جستجوی چستی میدان در این دوره، نقشه‌ها از مستعدترین منابع است. جستجوی میدان در نقشه‌ها

فهم آن را درون شبکه روابطی میسر می‌سازد که اجزای شهر را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و کلیت شهر را ممکن می‌کند. همچنین، دوره قاجاریه دوره رونق و شکوفایی نقشه‌های شهری ایران است؛ نقشه‌های مفصلی از مهم‌ترین شهرهای ایران در این دوره در دست است که اطلاعات بی‌سابقه‌ای از «میدان» به دست می‌دهد و زمینه مساعدی برای فهم آن فراهم می‌آورد، زمینه‌ای غنی و گسترده که جستجوی دامنه مفهوم میدان و طیف مصادیق آن را در این دوره میسر می‌سازد.

در این مقاله، می‌کوشیم به روش تفسیری-تاریخی گستره مفهوم «میدان» در دوره قاجاریه و انواع مصادیق آن را با ابتنای بر این نقشه‌های تاریخی فهم کنیم؛ همچنین برای بسط و تعمیق یافته‌هایمان از نقشه‌ها به انواعی از اسناد و منابع مکتوب درجه اول و دوم، متون تاریخی و تحقیقی، رجوع می‌کنیم. برای پرداختن به این مفهوم، نخست، با شناسایی مصادیق متنوع «میدان» در نقشه‌ها، دامنه آن را تبیین می‌کنیم، تنوع مصادیق آن را آشکار می‌سازیم و به بازتعریف آن می‌پردازیم. سپس، با احصای ویژگی‌های بارز و پربسامد مصادیق مذکور، به ساماندهی انواع آن می‌پردازیم و بارزترین آنها را تبیین می‌کنیم. نتیجه این جستجوها، نخست، دامنه گسترده مفهوم میدان در دوره قاجاریه و طیف متنوع مصادیق آن را روشن می‌کند، آنچه بر تنوع کارکرد و نقش میدان در شهر این دوره و انعطاف مفهوم آن دلالت می‌کند؛ دوم، مهم‌ترین انواع مصادیق میدان را در قالب چهار دسته اصلی میدان‌های حکومتی، میدان‌های بازار، میدان‌های محله و میدان مجلس تبیین می‌کند.

۲- پیشینه تحقیق

قاجاریه و با تکیه بر نسبت دیرپای ارگ و میدان در شهر ایرانی تبیین می‌کند (اسدیپور، ۱۳۹۶). دو پایان‌نامه نیز در این مجموعه قابل ذکر است: پایان‌نامه خوانش میدان‌های شهری یزد دوره قاجار از منظر روابط نیروهای اجتماعی - سیاسی (فلاح، ۱۳۹۴)، که میدان‌های شاه، خان، و امیرچقماق را به مثابه میدان‌های اصلی شهر یزد در بستر تاریخی دوره قاجاریه و با تمرکز بر نیروهای اجتماعی - سیاسی بررسی می‌کند و پایان‌نامه تعامل رویدادهای مشروطه و تحولات فضایی تهران (توکلی، ۱۳۹۵) که نقش میدان‌های توپخانه و بهارستان تهران را در نسبت با رویدادهای مشروطه تبیین می‌کند. این تحقیقات، به فهم یک یا چند مصداق از «میدان» - مهم‌ترین میدان‌های شهر و غالباً میدان‌های به اصطلاح حکومتی - در بستر زمانی‌اش می‌پردازد، ولی دامنه مفهوم «میدان» و انواع آن را در بستر تاریخی روشن نمی‌کند. تنوع و کیفیت نقشه‌های تاریخی دوره قاجاریه فرصت مناسبی برای جستجوی دامنه این مفهوم و طیف مصادیق آن در بستر زمانی این دوره فراهم می‌آورد. در این مقاله، با اتنا بر این نقشه‌ها می‌کوشیم دامنه مفهوم «میدان» به مثابه جزئی از اجزای شهر قاجاریه را تبیین کنیم و طیف گسترده مصادیق آن را عیان سازیم.

۳- منابع اصلی تحقیق

منابع اصلی این مقاله نقشه‌های دوره قاجاریه است. مفصل‌ترین و گویاترین نقشه‌های تاریخی شهرهای ایران در دوره قاجاریه تهیه شده است. گرچه از دوره صفویه نیز طرح‌ها و نقشه‌های مفیدی از برخی شهرهای ایران باقی است، در دوره قاجاریه است که

پیشینه جستجوی مصادیق «میدان»، به مثابه جزئی از اجزای شهر در ایران، به تحقیقات محمود توسلی در کتاب اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران و سپس حسین سلطانزاده در کتاب فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران بازمی‌گردد (توسلی، ۱۳۶۵؛ سلطانزاده، ۱۳۷۰). در این تحقیقات، به انواع «میدان» و نسبت آن با سایر اجزای شهر پرداخته شده است، ولی در هر دوی آنها میدان مفهومی فرازمانی فرض شده و ویژگی‌های مصادیقی از آن به گستره زمانی تاریخ ایران تعمیم یافته است. در این تحقیقات، «میدان» به مثابه مفهوم بسطی تبیین می‌شود که گویی در طول تاریخ ایران ثابت مانده است. ولی در دهه اخیر، فهم مصادیق یا انواعی از «میدان» در بستر تاریخی و در نسبت با اقتضائات و شرایط زمانی در چند کار تحقیقی عرضه شده است. سوسن بابایی در فصلی از کتاب معماری و امپراتوری پارسی، به مفهوم «میدان دولتخانه»، به مثابه نوعی از میدان حکومتی در دوره صفوی، می‌پردازد و آن را در بستر تاریخی این دوره تبیین می‌کند (Babaei, 2015). او در کتاب اصفهان و کاخ‌هایش نیز به طور خلاصه‌تر چنین مفهومی از میدان را تبیین کرده بود (بابایی، ۱۳۹۸). در کتاب میدان/توپخانه دارالخلافة ناصری: ذهنیت ایرانی و ره‌آورد دیگری، شکل‌گیری «میدان توپخانه» به مثابه الگویی فضایی در شهر قاجاری در بستر تاریخی و فرهنگی این دوره تبیین می‌شود (نجفی، ۱۳۹۲). علی اسدیپور نیز در کتاب میدان و شهر؛ سرگذشت میدان‌های توپخانه از تهران تا شیراز، همین الگوی فضایی را در دوره زندیه و

پیشبرد این تحقیق نداشته‌اند و نقشه‌های دقیق فارسی‌زبان مذکور بیش از سایرین یاری‌رسان بوده‌اند (تصویر ۱). جدول ۱ شامل فهرست نقشه‌های دوره قاجاریه است که مآخذ اصلی داده‌ها و تفاسیر این مقاله است. این نقشه‌ها، که به ترتیب زمانی مرتب شده، با نام تهیه‌کنندگانشان مشخص شده - به غیر از «خریطة شهر تبریز» و نقشه «نمایش مدارس» تهران، که نام تهیه‌کنندگانشان ثبت نشده است. در متن مقاله، به نقشه‌ها با همین عناوین ارجاع داده شده است.^۱

۴- گسترده‌گی مفهوم میدان و تنوع مصادیق آن

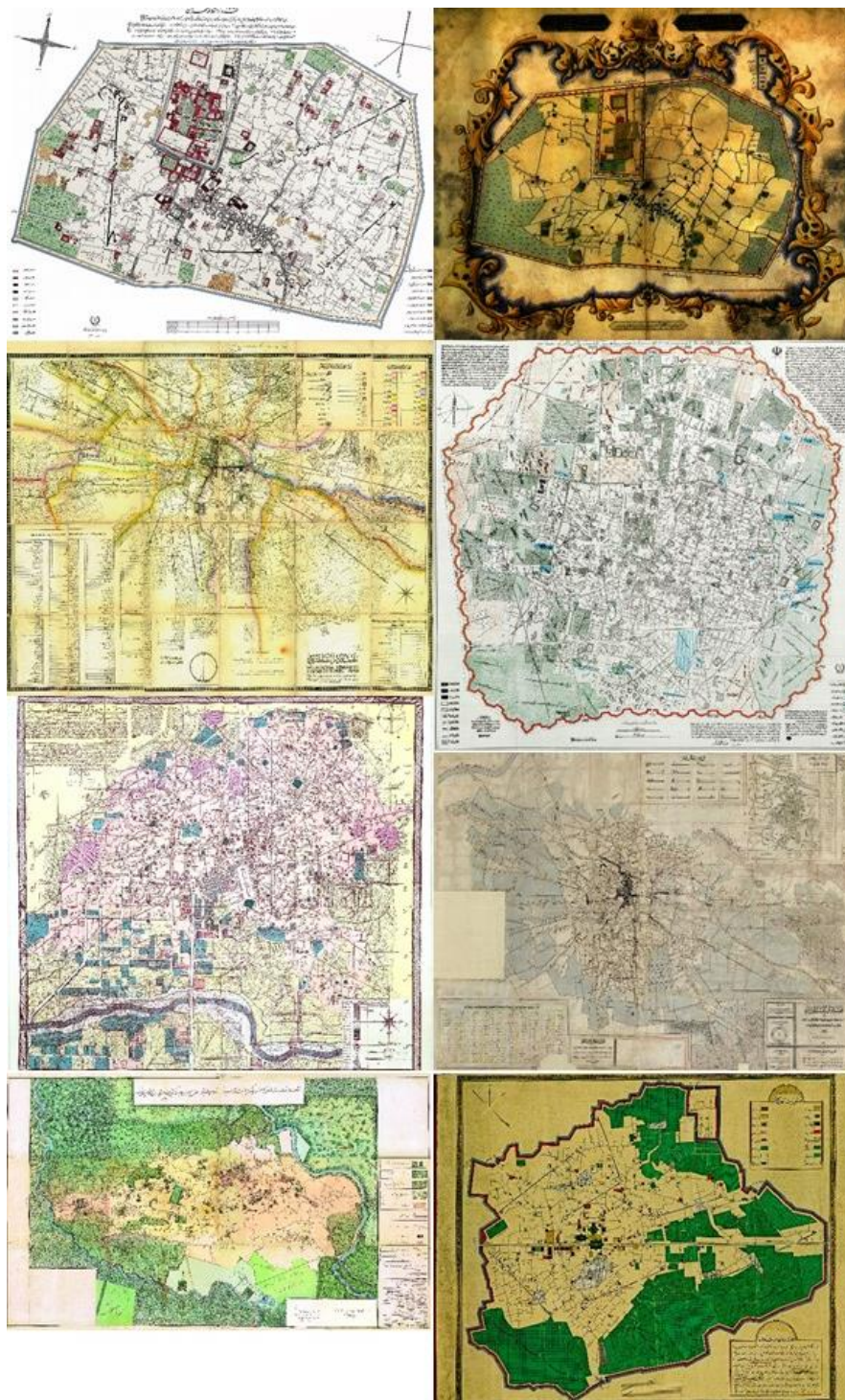
مبتنی بر نقشه‌ها، «میدان» در دوره قاجاریه مفهومی بسیار کلان و منعطف است و تقریباً به هر عرصه گشاده‌ای که مجالی برای فعالیت یا رویدادی فراهم می‌آورد قابل اطلاق است. از «میدان توپخانه»، عرصه‌ای منتظم و محاط در قلب پایتخت و از مهم‌ترین مکان‌های عمومی آن، تا «میدان مشق افواج»، محدوده‌ای موقت در اردویی نظامی و در صحرای خارج از حصار شهر^۲ در زیر چتر گسترده این مفهوم جای می‌گیرد.^۳ برای جستجوی طیف مصادیق میدان و دامنه مفهوم آن در نقشه‌های دوره قاجاریه، دو نقشه بیش از سایرین یاری‌رسان و بیانگر است: نقشه برزین و نقشه کرشیش از شهر تهران در اواخر دوره محمدشاه^۴ و اوایل دوره ناصری^۵. مهم‌ترین امتیاز این دو نقشه این است که «میدان» در آنها در زمره اجزائی از شهر است که در راهنمای نقشه علامتی ویژه به آنها اختصاص یافته و به تبع آن تعداد زیادی میدان روی نقشه مشخص شده است.

با فنون مدرن نقشه‌برداری و با دقتی بی‌سابقه، نقشه‌هایی از شهرهای ایران تهیه شده است. موج نخست این نقشه‌ها آثار اروپاییانی است که غالباً با اهداف نظامی و برای ثبت استحکامات ایران به نقشه‌برداری از شهرها پرداختند. این نقشه‌ها به زبان‌های روسی، آلمانی و انگلیسی تهیه شده و تصویر آنها در دهه‌های اخیر از آرشیوهای خارج از ایران، با کیفیت‌هایی نه‌چندان مطلوب، به دست ما رسیده است. نقشه تره‌زل - فابویه از تبریز، نقشه ناسکوف از تهران، نقشه‌های چیریکف و خانیکف از چندین شهر ایران از این دسته‌اند (مهریار، ۱۳۷۸). اما موج دوم این نقشه‌ها برای حکومت ایران یا به سفارش آن و همچنین توسط خود ایرانیان و به زبان فارسی تهیه شده است. تأسیس دارالفنون در ابتدای دوره ناصری تربیت نسلی از نقشه‌برداران ایرانی را به دنبال داشت که نخست با همکاری معلمان اروپایی‌شان و سپس در مقام نقشه‌بردارانی زبده به تهیه نقشه‌های دقیق و مفصلی از مهم‌ترین شهرهای ایران پرداختند. نقشه‌های برزین و کرشیش و نجم‌الملک از تهران، نقشه قراجه‌داغی و مراغه‌ای از تبریز، نقشه سیدرضا خان از اصفهان، نقشه دالمج از مشهد، نقشه ذوالفقار مهندس از رشت نمونه‌های بارزی هستند که جزییات بی‌سابقه‌ای از این شهرها را لحاظ کرده‌اند و مهم‌تر از آن نام‌های اصیل مکان‌ها را به فارسی ثبت و ضبط کرده‌اند. حدود سی نقشه از شهرهای مختلف ایران در دوره قاجاریه در دست است که مبنای جستجوی ما در این مقاله بوده است، البته در برخی از این نقشه‌ها میدانی ثبت نشده است. کیفیت، تفصیل و دقت این نقشه‌ها نیز مشابه نیست؛ بنابراین، همه آنها نقش مشابهی در

در دیگر نقشه‌های دوره قاجاریه، صرفاً نام معدودی میدان مهم روی نقشه ذکر شده و ماهیت بسیاری از عرصه‌های شهر روشن نیست. به این ترتیب، این دو نقشه گسترده‌ترین طیف مصادیق میدان را شامل است.

جدول ۱- فهرست نقشه‌هایی از دوره قاجاریه که در آن‌ها میدانی ثبت شده است (مأخذ: نگارندگان).

عنوان نقشه	مکان	زمان	تعداد میدان‌های ثبت شده	مأخذ
۱ نقشه برزین	تهران	پیش از ۱۲۶۳ق	۴۹	شیرازیان، ۱۳۹۴
۲ نقشه چیریکف	اصفهان	۱۲۶۶ و ۱۲۶۷ق	۹	مهريار، ۱۳۷۸
۳	شیراز	—	۷	—
۴	همدان	—	۱۱	—
۵	کرمانشاه	—	۳	—
۶	سنه (سندج)	—	۳	—
۷	سلطان‌آباد (اراک)	—	۱	—
۸	بروجرد	—	۷	—
۹	دزفول	—	۶	—
۱۰	شوشتر	—	۳	—
۱۱ نقشه کرشیش	تهران	۱۲۷۵ق	۲۴	شیرازیان، ۱۳۹۴
۱۲ نقشه دالمج	مشهد	۱۲۸۶ق	۳	مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند ۲۰۴۸.
۱۳ نقشه ذوالفقارمهندس	رشت	۱۲۸۷ق	۱	مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند ۱۴-۱۱۰۷۰۳.
۱۴ نقشه قراجه‌داغی	تبریز	۱۲۹۷ق	۱۵	فخاری تهرانی، ۱۳۸۵ نقشه کاغذی انتشارات سحاب
۱۵ نقشه نجم‌الملک	تهران	۱۳۰۹ق	۷	شیرازیان، ۱۳۹۴
۱۶ نقشه سایکس	کرمان	۱۳۱۶ق	۲	Sykse, 1902
۱۷ خریطه شهر تبریز	تبریز	۱۳۲۶ق	۳	فخاری تهرانی، ۱۳۸۵
۱۸ نقشه مراغه‌ای	تبریز	۱۳۲۷ق	۱۰	فخاری تهرانی، ۱۳۸۵
۱۹ نقشه واگنر	تهران	۱۳۳۲ق	۴	شیرازیان، ۱۳۹۴
۲۰ نقشه نمایش مدارس تهران	تهران	۱۳۴۱ق	۳	شیرازیان، ۱۳۹۴
۲۱ نقشه سیدرضا خان	اصفهان	۱۳۴۲ق	۳	نقشه کاغذی انتشارات سحاب



تصویر ۱- نقشه‌های مفصل و فارسی‌زبان دوره قاجاریه، از راست به چپ و از بالا به پایین: نقشه‌های برزین، کرشیش، و نجم‌الملک از تهران؛ نقشه‌های قراجه‌داغی و مراغه‌ای از تبریز؛ نقشه سیدرضا خان از اصفهان؛ نقشه دالمج از مشهد؛ و نقشه ذوالفقارمهندس از رشت (مأخذ: مأخذ مذکور در جدول ۱).



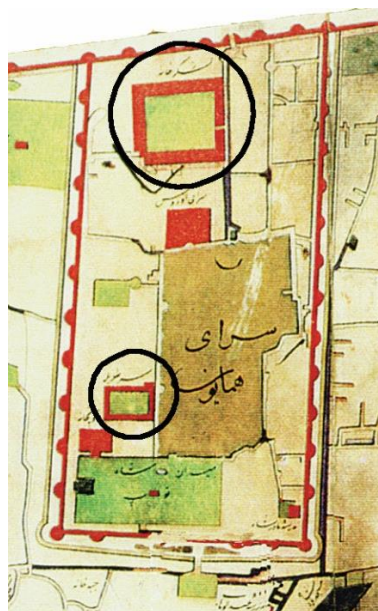
تصویر ۲- نقشه برزین: میدان شاه (عرصه قرمزرنگ)، میدان کاهفروش (عرصه آبی رنگ)، سایر میدانها (عرصه های زرد رنگ) (مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

نماینده دو سر طیف مصادیق «میدان» در این نقشه است: میدانهای منتظم که طراحی شده به نظر می رسد، میدانهای بی شکل که عرصه هایی پس مانده در حد فاصل بناهای شهر جلوه می کند. دیگر میدانهای نقشه، فرمهایی بسیار متنوع دارد و در گستره چنین طیفی پراکنده است. برخی مدور و مستطیل شکل است، برخی کاملاً بی شکل و نامنظم است و برخی در میانه این نظم و بی نظمی. همچنین، تنوع بناهای مرتبط، مشرف، یا مجاور با میدانها از تنوع نقش و کارکرد آنها خبر می دهد. برخی چون «میدان شاه» با عمارت های حکومتی مجاور است، برخی چون «میدان کاهفروش» به بدنه بازار یا به راسته بازاری متصل است، برخی با مسجد، مدرسه، یا امامزاده ای مرتبط است، برخی در مقابل دروازه ای از شهر است، برخی با ترکیبی از این بناها مجاور است و البته بسیاری هم، دست کم روی این نقشه، بنای شاخصی در پیرامونشان نیست و با باغها و احتمالاً خانه های مردم محاط یا مجاور است. نکته

در نقشه برزین، از نخستین نقشه های شهری دوره قاجاریه که می توان نام «میدان» را در آن یافت، حدود ۴۷ «میدان» - با رنگ سبز ویژه ای که در راهنمای نقشه به «میدان» اختصاص یافته - مشخص شده و از این میان، نام دو میدان ذکر شده است: «میدان شاه» و «میدان کاهفروش» (تصویر ۲). تفاوت های بنیادین این دو میدان خود از تنوع فرم و کارکرد در طیف مصادیق میدان خبر می دهد. «میدان شاه» که به شاه منسوب است و در ارگ سلطنتی، در میان «سرای همایون» و دروازه جنوبی ارگ، واقع است، مستطیلی منتظم است، چون حلقه واسطی که برای پیوستن ارگ به شهر، هوشمندان، طراحی شده است. در مقابل، «میدان کاهفروش»، که به کاهفروشان شهر منسوب است و به راسته اصلی بازار متصل است، محدوده ای بسیار بی شکل است که «چال»هایی در میان دارد و بناهایی در پیرامون و میان آن پراکنده است، چنانکه گویی عرصه ای رها شده از شهر است. این دو میدان، به لحاظ فرم،

از حجره‌ها تصویر شده است. احتمالاً میدان «لشکرخانه» محل مشق لشکریان بوده و میدان «سرطوبله» جولانگاه اسب‌های طویل‌شاهی. به این ترتیب، میدان صرفاً به عرصه‌های عمومی شهر اطلاق نشده است و «عمومی بودن» نیز از ویژگی‌های مشترک «میدان»‌های شهر در این نقشه نیست.

دیگری نیز از این نقشه استنباط می‌شود که مفهوم میدان را بیش از پیش گسترده جلوه می‌دهد: روی این نقشه، عرصه میانی «لشکرخانه» و «سرطوبله»، دو عمارت حکومتی مستقر در ارگ سلطنتی، که می‌تواند صحن یا به تعبیر امروزی «حیاط میانی» این بناها تلقی شود، به رنگ «میدان» درآمده است (تصویر ۳). به این ترتیب، این دو بنا نه عمارت‌هایی با حیاط‌های میانی، که میدان‌هایی محاط در ردیفی



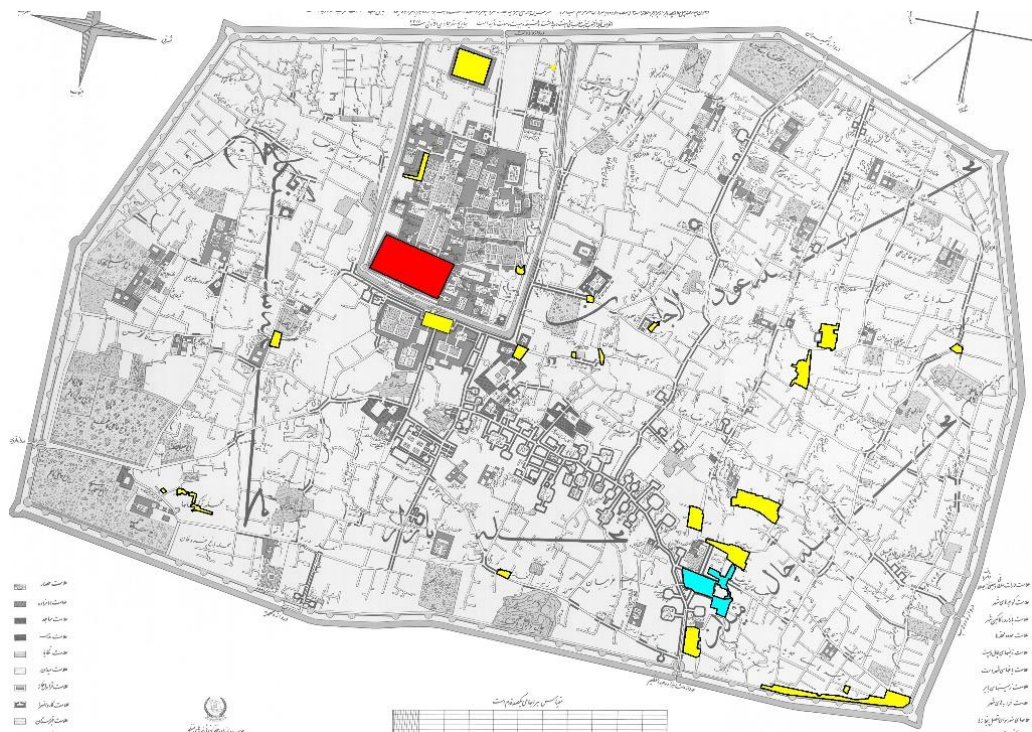
تصویر ۳- محدوده ارگ سلطنتی در نقشه برزین. در راهنمای نقشه، رنگ سبز به «میدان» اختصاص یافته است؛ لشکرخانه و سرطوبله دو بنایی هستند که دورشان خط کشیده‌ایم (مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

میدان‌های نقشه کرشیش چنان بی‌شکل و نامنسجم است که تلقی‌شان به مثابه عرصه‌ای واحد خود محل تعجب است. میدان‌های طولی که در امتداد جانب جنوب شرقی حصار شهر و در جنوب محله سنگلج، در محله ترکمان‌ها، مشخص شده، از نمونه‌های بارز این قبیل میدان‌هاست. «میدان کاه‌فروشان»، که در نقشه برزین «میدان کاه‌فروش» نامیده شده است، همچنان عرصه بی‌نظم و بی‌سامانی به نظر می‌رسد.

نقشه کرشیش، که حدود یک دهه پس از نقشه برزین از شهر تهران تهیه شده، مؤید برداشت‌های ما از نقشه برزین است و بر تنوع و گستردگی مصادیق میدان گواهی می‌دهد. در این نقشه، ۲۵ «میدان» - با بافت ویژه‌ای که در راهنمای نقشه به «میدان» اختصاص یافته - مشخص شده که همچون میدان‌های نقشه برزین، از لحاظ فرم و کارکرد تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارد. برخی از

عمومی شهر اطلاق نشده است. بنای «لشکرخانه»، به «انبار غله خالصه» تغییر یافته ولی عرصه میانی آن همچنان با علامت میدان مشخص شده است. عمارت «سرطویه» و میدان میان آن در نقشه کرشیش موجود نیست ولی در جوار «اصطبل» ارگ سلطنتی عرصه‌ای گشوده با علامت میدان نشان داده شده است که احتمالاً همان کارکرد را دارد.

در مقابل، میدان‌هایی چون «میدان ارگ و توپخانه مبارکه» و «سبزه میدان» است که کاملاً منتظم است و با بدنه‌های سامان‌مندی محاط شده است (تصویر ۴). دیگر میدان‌ها جایی در گستره این طیف قرار می‌گیرد. بناهای پیرامون میدان نیز، چون نقشه برزین، دامنه متنوعی از هم‌جواری‌ها را عیان می‌کند. در نقشه کرشیش هم، «میدان» صرفاً به عرصه‌های



تصویر ۴- نقشه کرشیش: میدان شاه (عرصه قرمز رنگ)، میدان کاه‌فروشان (عرصه آبی رنگ)، سایر میدان‌ها (عرصه‌های زرد رنگ) (مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

علاوه بر طیف متنوع این مصادیق، نکات دیگری هم در برخی از این نقشه‌ها یافتنی است که بر گستردگی مفهوم میدان گواهی می‌دهد؛ در فاصله زمانی تهیه دو نقشه کرشیش و برزین، در سال‌های ۱۲۶۶ و ۱۲۶۷ق، گروهی از نقشه‌برداران روس به سرپرستی چیریکف از شهرهای مختلف ایران

در هیچ‌یک از دیگر نقشه‌های موجود، چنین طیف متکثر و متنوعی از «میدان» یافتنی نیست، ولی می‌توان شواهد و مصادیقی متفاوت از میدان یافت که مؤید تنوع و گستردگی مفهوم آن در ایران دوره قاجاریه است. فرم و کارکرد متنوع میدان‌ها مصادیق متعددی روی نقشه‌های شهرهای مختلف دارد.

نقشه‌برداری کردند. این نقشه‌ها معمولاً توضیحات مفصلی در حواشی دارد؛ در تعدادی از این نقشه‌ها، به نکته‌ای اشاره شده است که بر انعطاف و گستردگی مفهوم میدان در نقاط مختلف ایران دلالت می‌کند. در نقشه شهرهای دزفول و کرمانشاه و شوشتر، پس از ذکر نام میدان‌های مهم شهر، به «زمین‌های خالی و بایر» اشاره شده است که میدان نامیده می‌شود (مهریار، ۱۳۷۸). این تلقی از میدان، که در نظر تهیه‌کنندگان روس این نقشه‌ها عجیب جلوه کرده و به همین سبب هم ذکر شده است، بر مفهوم گسترده آن دلالت می‌کند که از مهم‌ترین و مؤثرترین عرصه‌های شهر تا زمین‌های خالی و بایر یا رها شده را در بر می‌گیرد.

ماحصل این بررسی‌ها نشان می‌دهد که «میدان» در شهر دوره قاجاریه مفهومی بسیار گسترده و از جوهی تحدیدناپذیر بوده است. مفهوم میدان به عرصه‌های عمومی شهر منحصر نبوده و مبتنی بر دامنه مصادیق مذکور نمی‌توان آن را در موقعیت مشخصی از طیف فضاها «عمومی» و «خصوصی» شهر (مدنی‌پور، ۱۳۸۹) گنجانند. کارکرد و نقش میدان بسیار متنوع است. تنوع اجزای مجاور و پیرامون آن نیز گواه روشنی بر این تفاوت‌هاست. عرصه میدان در موقعیت‌های مختلفی از شهر گشوده می‌شود و در نسبت با طیف متنوع اجزای شهر نقش‌های متفاوتی می‌یابد. مجالی که به واسطه عرصه گشاده میدان حاصل می‌شود، تنها وجهی است که کارکردها و نقش‌های مختلف آن را اشتراک می‌بخشد. فرم میدان نیز تحدیدناپذیر بوده و در منتظم‌ترین تا نامنظم‌ترین صورت‌ها، اگرچه در محدوده‌ای نسبتاً مشخص، جلوه کرده است. تنها

ویژگی‌های تکرارشونده فرم میدان، در نسبت با بافت در بر گیرنده‌اش و گشودگی آن به آسمان، گشادگی آن است. طیف بسیار متنوع و انواع متفاوت مصادیق میدان در این دوره از مفهومی گسترده حکایت می‌کند که چهار معیار کلی برای تحدیدش قابل ذکر است: ۱. عرصه‌ای نامسقف باشد؛ ۲. نسبت به بافت پیرامونی‌اش فضایی گشاده تلقی شود؛ ۳. محدوده‌ای نسبتاً مشخص باشد؛ ۴. امکانی برای رویداد یا فعالیتی جمعی فراهم آورد که در فضای تنگ و بسته میسر نیست. سه معیار نخست ناظر به فرم میدان است و معیار چهارم بر کارکرد آن دلالت می‌کند.

۵- انواع مصادیق میدان

می‌توان مصادیق متکثر میدان‌ها را، مبتنی بر بارزترین اشتراکاتشان، در دسته‌هایی سامان داد؛ در این دسته‌بندی، وجه یا معیار ثابتی مد نظر نیست که به صورت منطقی مرز روشنی میان دسته‌های مختلف ایجاد کند و آنها را تمام و کمال از یکدیگر متمایز سازد، بلکه وجوه بارز و پربسامدی مد نظر است که در تعریف و شناسایی گروهی از مصادیق کارآمد است. مبتنی بر مصادیق موجود در نقشه‌ها، چهار دسته از میدان‌ها در کلیت ساختار شهر قابل تشخیص‌اند: «میدان‌های حکومتی» در نسبت با «حکومت»، «میدان‌های بازار» در رابطه با «بازار» شهر، «میدان‌های محله» در درون «محله»‌ها، «میدان مجلس» در پیشگاه مجلس شورای ملی (بهارستان).

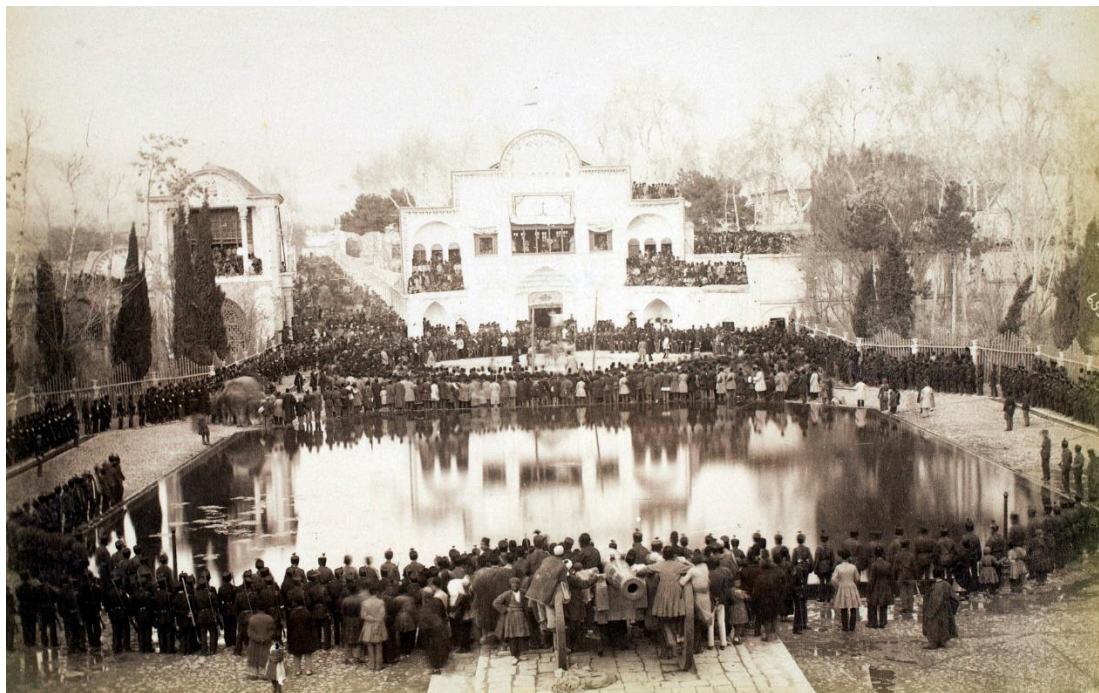
۵-۱- میدان‌های حکومتی

این دسته از میدان‌ها به حکومت منسوب است، زیرا: حکومت بانی آنهاست یا در شکل‌گیری آنها دخیل است؛ همه یا برخی از اجزای میدان و همچنین فعالیت‌ها یا رویدادهای آن در نسبت با حکومت است؛ امکان نظارت بر این میدان‌ها یا کنترل رویدادهای آن برای حکومت فراهم است. در این دسته از میدان‌ها نیز می‌توان انواعی را تشخیص داد:

۵-۱-۱- میدان پیشگاه مقرر حکومت در شهر (میدان دربخانه)

این دسته از میدان‌های حکومتی جلوخان مقرر حکومت - ارگ، دربخانه، عمارات دیوانی، ... - در شهر و عرصه واسط این دو است.^۷ میدان شاه، میدان ارگ، میدان دربخانه، و میدان توپخانه^۸ عناوین رایج این دسته از میدان‌هاست و غالباً نام‌هایی متفاوت برای نامیدن میدانی واحد.^۹ این میدان‌ها به محله یا محدوده خاصی از شهر اختصاص ندارد و در مقیاس کل شهر ایفای نقش می‌کند و به همین دلیل از میدان‌های اصلی شهر و عمومی‌ترین عرصه‌های آن است.^{۱۰} رونق و نقش آفرینی این میدان‌ها در زندگی شهر در طول دوره قاجاریه و در شهرهای مختلف متغیر است؛ ولی این میدان‌ها غالباً محمل برخی از مهم‌ترین رویدادها و مراسمی بوده است که حکومت و مردم توأماً در آن حضور داشته‌اند. هم‌جواری این میدان‌ها با مقرر حکومت غالباً موقعیتی منحصر به فرد به آنها می‌بخشد و آنها را به عرصه‌ای

یگانه در شهر بدل می‌کند. سردر عمارت سلطنتی در این میدان نماد این موقعیت و نقش ممتاز است. عالی‌قاپوهای میدان ارگ دارالخلافه تهران (تصویر ۵) و میدان توپخانه دارالسلطنه تبریز و سردر باب همایون در میدان توپخانه پایتخت، نمونه‌های بارز این نمادپردازی‌اند. این درگاه همچنان که عمارات سلطنتی را در پس خود حفظ و پنهان می‌کند، نماینده آن در محضر شهر است و گاه در مراسم عمومی تختگاه شاه، ولیعهد، یا حاکم می‌شود. بنا بر این ویژگی‌ها، اهمیت این میدان‌ها نه لزوماً در نقش فعال آنها در زندگی روزمره شهر که در نقش بی‌رقیب‌شان در فراهم آوردن مجالی برای ملاقات یا مواجهه مردم با حکومت و نمادها و نشانه‌هایش است، آنجا که قدرت حاکم تجسم می‌یابد و خواسته و ناخواسته وجوهی از خود را نمایش می‌دهد و عیان می‌کند. این میدان به واسطه نقش و مقیاس اثرگذاری‌اش در شهر عرصه به نسبت وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد. استقرار این میدان‌ها در پیشگاه مقرر حکومت امکان نظارت حکومت بر آن‌ها را فراهم می‌آورد. استقرار برخی از این میدان‌ها در داخل حصار ارگ سلطنتی، تعبیه دروازه‌هایی در معابر منشعب از آنها، و همچنین استقرار توپ و توپچی در آنها از راهکارهایی است که به منظور کنترل بیشتر آنها تمهید شده است. این حصارها و دروازه‌ها و آتش‌بارها اگرچه ضامن امنیت میدان حکومت بود، اسباب طرد مردم و انزوای میدان از زندگی شهر نبود (نجفی، ۱۳۹۲).



تصویر ۵- عالی قاپوی میدان ارگ تهران (مأخذ: مجموعه عکس‌های آنتوان سوروگین در وبگاه مؤسسه اسمیتسونین به نشانی زیر:

(archive.asia.si.edu)

۵-۱-۲- میدان مشق

مهم‌ترین ویژگی این دسته از میدان‌های حکومتی کارکرد اصلی آنهاست که در عنوانشان نیز هویداست - مشق نظامیان. این میدان‌ها، که مصداق شناخته‌شده‌ای در دارالخلافه تهران و دارالسلطنه تبریز داشته است، عرصه‌های وسیعی بود که مجال مناسبی برای مشق نظامی فراهم می‌آورد. حتی در اردوهای نظامی خارج از شهر نیز به عرصه‌هایی که به طور موقت به مشق افواج اختصاص می‌یافت و محدوده‌ای صرفاً اعتباری داشت، نام «میدان مشق» اطلاق می‌شد. ویژگی دیگر این میدان‌ها، به اقتضای کارکردشان، محصوریت و اختصاص کالبد آن‌ها به نظامیان و امور نظامی بود. میدان‌های مشق تبریز و تهران محوطه‌های محصور بودند که حجره‌ها، بناها یا تجهیزات مربوط به امور نظامی در پیرامونشان

بود. این ویژگی میدان‌های مشق را به عرصه‌هایی محصور و کنترل‌شده تبدیل می‌کرد که به طور معمول نسبتی با زندگی روزمره شهر نداشت. ولی این ویژگی مانع از آن نبود که این میدان‌ها در مواقعی ویژه مکان برخی از رویدادهای عمومی شهر شود. مراسم تاریخی به دار آویختن میرزا رضای کرمانی، قاتل ناصرالدین شاه، در میدان مشق تهران، که «مردم شهر از صغیر و کبیر، وضع و شریف» در آن حضور داشتند (سالور، ۱۳۷۴: ۱۰۴۳)، از بارزترین این رویدادهاست. همچنین، این میدان‌ها لزوماً تنها مکان‌های شهر برای مشق نظامیان نبوده است؛ چنانچه شواهدی از نقشه‌ها و متون گواهی می‌دهد، عرصه‌های سربازخانه‌ها و همچنین میدان‌های توپخانه در شهر می‌توانست عرصه مشق نظامی باشد؛^{۱۱} در این میان، «میدان مشق» مهم‌ترین

زندگی شهر دخیل بود و از مقاصد اهالی شهر بود. توصیف هاینریش بروگش، سفیر پروس در ایران، از حال و هوای شهر در روز برگزاری مراسم در «میدان اسب‌دوانی»، در حوالی سال ۱۳۰۳ق، گویای این نکته است. او، در میدان توپخانه، شاهد خیل جمعیتی از زن و مرد، از طبقات مختلف مردم، بود که پیاده و سواره رهسپار مراسم «تماشایی» میدان اسب‌دوانی و ملاقات شاه بودند (بروگش، ۱۳۷۴). اعتمادالسلطنه در خاطراتش مسابقه اسب‌دوانی میدان را به مراسم «سلام عام» شبیه دانسته است که «شاه با سفرا و تمام قشون و امرا و اعیان و اهل شهر جلوس می‌کند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۳۵۲). شواهد متعددی از حضور جمعیت مردم شهر در میدان اسب‌دوانی برای تماشای مسابقه یا مراسم و ملاقات شاه در دست است (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳؛ روزنامه دولت علیه ایران، ۱۳۷۰؛ روزنامه ایران، ۱۳۷۴)، آنچه نسبت چنین میدان‌هایی را با زندگی شهر آشکار می‌کند و وجه عمومی آنها را می‌نمایاند.^{۱۳} البته نقش این میدان‌ها در زندگی شهر و وجه عمومی آنها به این معنا نیست که این میدان‌ها همواره به روی مردم گشوده بود. این میدان‌ها عرصه‌های محصور و کنترل‌شده‌ای بود که به مراسم حکومتی اختصاص داشت و صرفاً در برخی از مراسم عمومی میزبان مردم می‌شد.

مکان مشق نظامیان بود، عرصه‌ای وسیع که محملی مناسب برای عرضه و ارزیابی توان نظامیان فراهم می‌آورد و پایگاهی نظامی در نزدیکی مقر حکومت در شهر بود.^{۱۴} اختصاص میدان مشق پایتخت به بریگارد قزاق، که به قدرتمندترین و مؤثرترین نیروی نظامی حامی حکومت قاجار بدل شده بود، نشان از اهمیت و نقش ویژه این میدان در شهر دارد (معتمدی، ۱۳۸۱).

۵-۱-۳- میدان اسب‌دوانی

«میدان اسب‌دوانی» دو مصداق معروف در دارالخلافه تهران داشت که هر دو در خارج از حصار شهر واقع بود: یکی در شمال غربی شهر و در جوار «دروازه اسب‌دوانی» و دیگری در شمال شرقی شهر و در جوار مسیری که از «دروازه دوشان‌تپه» منشعب می‌شد و به قصر دوشان‌تپه می‌رسید. این میدان‌ها، چنانکه از نامشان پیداست، به مسابقه اسب‌دوانی اختصاص داشت که از تفریحات رایج آن زمان بود؛ هر دو مصداق مذکور فرمی مدور داشت که برای چنین کارکردی مناسب بود (تصویر ۶). علاوه بر مسابقه اسب‌دوانی، مراسمی چون سان قشون و استقبال از سفرای خارجی هم در این میدان‌ها برگزار می‌شد (روزنامه ایران، ۱۳۷۴). این میدان‌ها گرچه در خارج حصار شهر واقع بود، در



تصویر ۶- نقشه نجم‌الملک از اطراف تهران، در سال ۱۳۱۶ق: میدان اسب‌دوانی دوشان‌تپه در سمت راست تصویر و میدان اسب‌دوانی معروف به «باغ شاه» در سمت چپ تصویر مشخص شده است. در زمان تهیه این نقشه میدان دوشان‌تپه در حال شکل‌گیری است و میدان غربی شهر به باغ شاه تبدیل شده است. (مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

بنا بر ویژگی‌ها و کیفیات انواع چهارگانه مذکور، میدان‌های منتسب به حکومت لزوماً میدان‌هایی در انحصار حکومت نبود. از بین این انواع، صرفاً «میدان‌های خادم» را می‌توان یکسره جدای از شهر و زندگی مردم و مختص به حکومت تلقی کرد. در این میان، «میدان دربخانه» نه فقط در انحصار حکومت نبود، بلکه از میدان‌های اصلی و مهم شهر به شمار می‌رفت و گاه مهم‌ترین مکان تردد و اجتماع مردم در شهر بود.

۵-۲- میدان‌های بازار

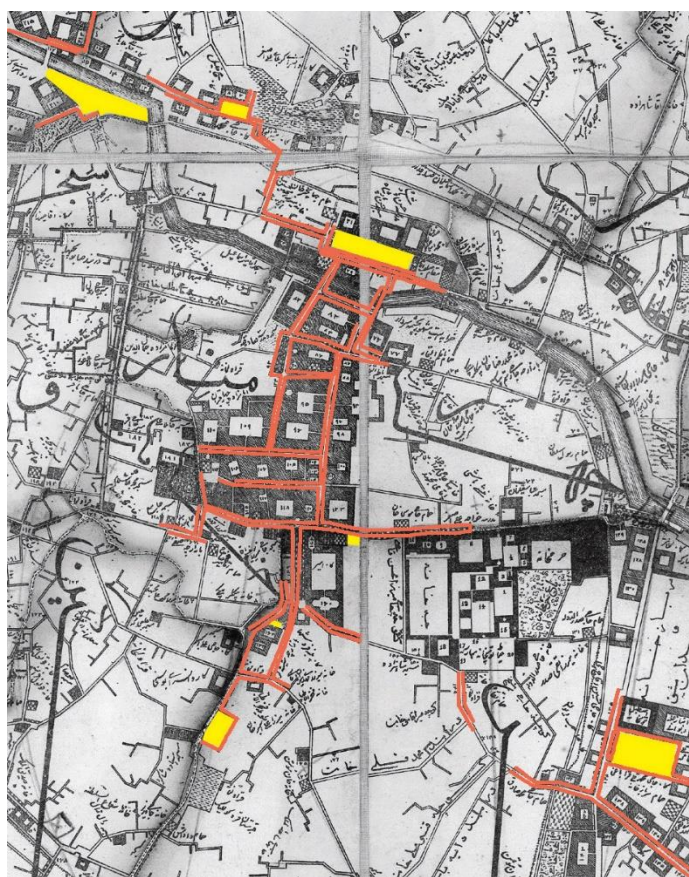
این دسته از میدان‌ها به بدنه بازار شهر متصل یا با آن مرتبط است و از اجزای دستگاه بازار است. این عرصه‌های گشاده به راسته‌های خطی بازار می‌پیوندند و سازوکار دیگری از خرید و فروخت را در فرمی مرکزی^{۱۵} تعریف می‌کند (تصویر ۷). اساساً عرضه اقسامی از کالاها و انواعی از معامله در فرم خطی

۵-۱-۴- میدان‌های خادم^{۱۴}

علاوه بر سه دسته مذکور که انواع اصلی میدان‌های حکومتی است، میدان‌های دیگری روی نقشه‌ها، در محدوده ارگ سلطنتی، مشخص شده است که عنوان مشخصی ندارد و به نظر می‌رسد که از هویت مستقلی نیز برخوردار نیست. به تعبیری، این میدان‌ها عرصه‌های گشاده‌ای است که در خدمت عمارت مجاورشان قرار دارد و جزئی از آن به شمار می‌آید. میدان عمارت‌های «سرطویله» و «لشکرخانه» در نقشه برزین و میدان عمارت‌های «اصطبل» و «انبار غله خالصه» در نقشه کرشیش مصداق این دسته است (تصویرهای ۲-۴). به نظر می‌رسد که عرصه وسیع میان لشکرخانه و انبار غله و همچنین عرصه مجاور با سرطویله و اصطبل به اقتضای نیاز کارکردی این بناها شکل گرفته است و نه عرصه‌ای مستقل که همچون حیاطی وابسته به این بناهاست.

حجره‌هایی در پیرامونشان نداشتند و صرف عرصه گشوده‌شان مجال مناسب برای خرید و فروخت فراهم می‌کرد؛^{۱۸} بی‌نظمی فرم غالب این میدان‌ها را می‌توان منتج از همین کیفیت دانست، کیفیتی که انتظام و آداب صوری خاصی نمی‌طلبد و صورتی منعطف به چنین میدان‌هایی می‌بخشد. شواهدی از برگزاری بازارهایی در ایام خاص در عرصه گشاده میدان‌های بازار موجود است. بساط فروشندگان در این عرصه‌ها گاه به چادر مجهز می‌شد و شماییلی نیمه‌موقت می‌یافت.^{۱۹}

راسته‌بازارها مجال مناسبی نمی‌یابد، مثلاً خرید و فروخت ستور، یا کالاهای بارهای حجیم مثل گندم و جو، کاه و علف و یونجه، زغال و هیزم، یا تره‌بار. میدان‌هایی چون علافخانه،^{۱۶} مال‌فروش‌ها، اسب‌فروشان، کاه‌فروشان، چوب‌فروش‌ها، و سبزه‌میدان مصادیقی از میدان‌هایی است که در کنار راسته‌بازارها مجال عرضه چنین کالاهایی را فراهم می‌آورد.^{۱۷} این میدان‌ها همچنین می‌تواند عرصه‌ای برای پهن کردن بساط فروشندگان باشد که حجره ثابتی در بازار ندارند، چنانچه همه این میدان‌ها لزوماً



تصویر ۷- بازار اصلی تبریز در نقشه قراجه‌داغی: راسته‌های بازار به رنگ نارنجی و میدان‌های آن به رنگ زرد نشان داده شده است. (مأخذ: فخاری تهرانی، ۱۳۸۵؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

بود که به منظور فراهم کردن «تفرجگاه»ی برای روزه‌داران ترتیب می‌یافت (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۱۲۸). برخی از این میدان‌ها، در نسبت با بازار، مجموعه‌ای از بناهای عمومی، چون حمام و کاروانسرا و مسجد و آب‌انبار، را نیز پیرامون خود سامان می‌داد. پیشینه شکل‌گیری مصادیق شناخته‌شده چنین میدان‌هایی به دوره تیموری و صفوی می‌رسد؛^{۲۲} ولی به هر ترتیب این میدان‌ها در دوره قاجاریه نیز استمرار داشت و در زمره میدان‌های مهم شهر بود.

میدان‌های بازار شهر، به مثابه جزئی از آن، در مقیاس شهر کارکرد داشت و معمولاً نقش مؤثری در زندگی شهر ایفا می‌کرد و مکان رویدادهای جمعی آن بود. این نقش و اثرگذاری حکومت را به ابراز وجود و قدرت‌نمایی در این میدان‌ها ترغیب می‌کرد؛ تنبیه و مجازات مجرمان به میدان‌های حکومت منحصر نبود؛ دیگر میدان‌های مهم شهر که مکان آمد و شد اهالی شهر بود نیز مجال مناسبی برای یادآوری قدرت حاکم و «عبرت‌سایرین» بود (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۸۰۲).^{۲۳} استقرار گماشتگان حکومت در این میدان‌ها یا احداث زندان در آنها نیز از دیگر اقدامات حاکمان در بهره‌برداری از مجال فراهم آمده بود.^{۲۴} بنابراین، مواجهه مردم و حکومت به میدان‌های متناسب به حکومت منحصر نبود، بلکه هر میدانی که مجال مناسب برای عرضه قدرت فراهم می‌آورد بزرگراه این مواجهه می‌شد. برخی از مهم‌ترین میدان‌های بازار، به واسطه اهمیتشان در مقیاس شهر، چنین نقشی می‌یافت.

بنابراین، عرصه گشاده این میدان‌ها، علاوه بر اینکه برای عرضه اقسامی از کالاها ضروری بود، فضای منعطفی ایجاد می‌کرد که امکان برپایی بساط‌های موقت و نیمه‌موقت را میسر می‌ساخت و به این ترتیب بر انعطاف و کارآیی مجموعه بازار می‌افزود. همچنین، فرم مرکزی این میدان‌ها شیوه‌ای را برای ارائه کالاها میسر می‌ساخت که با نحوه عرضه کالاها در فرم خطی راسته‌های بازار تفاوت اساسی داشت؛ در میدان، دکان‌ها در پیرامون عرصه‌ای گشاده سامان می‌یافت و به یکباره خود را، در فضایی که مجال مکث و توقف فراهم می‌کرد، می‌نمایاند و در راسته بازار، دکاکین در دو سوی گذرگاهی مستقر می‌شد و به تدریج در نظر رهگذر جلوه می‌کرد. همراهی این دو کیفیت فضایی متفاوت خود بر تنوع فضایی بازار می‌افزود.^{۲۵}

به این ترتیب، میدان‌های بازار هم می‌توانست عرصه‌ای کارآ برای عرضه کالاها و روزمره و عمده‌فروشی‌ها باشد و هم فضایی درخور برای عرضه کالاها و فاخر و چشم‌نواز؛ «میدان مال‌فروش‌ها»ی تهران در انتهای راسته اصلی بازار و در جوار دروازه شهر عرصه‌ای فراخ و منعطف برای خرید و فروخت اقسامی از کالاهایی بود که عرضه‌شان در راسته‌های بازار دشوار یا ناممکن بود. در همان زمان، «سبزه‌میدان» در ابتدای راسته اصلی بازار و در جوار ارگ سلطنتی و میدان شاه «جای باصفا»یی بود که مجال برای «تفرج و تماشا» فراهم می‌کرد.^{۲۶} این میدان «حجرات تحتانی و فوقانی» برای عرضه کالاها و چشم‌نواز، «از هر قسم اقمشه و امتعه نفیسه و ظروف بلورآلات و غیره»، داشت و مکان منتخب برای برگزاری بازارهای ماه رمضان

۵-۳- میدان‌های محله

این دسته از میدان‌ها نه به حکومت منتسب است و نه جزئی از بازار شهر به شمار می‌آید؛ آنها در درون محله‌ها پراکنده است و می‌تواند مرکز زندگی جمعی در محله‌ها باشد. گاه نام این میدان‌ها مأخوذ از محله در برگیرنده‌شان است و گاه محله نامش را از میدانش گرفته است،^{۲۵} آنچه از انتساب میدان به محله در برگیرنده‌اش و اهمیت میدان در زندگی محله خبر می‌دهد. این میدان‌ها گاه با اجزای مهمی از محله، چون راسته‌بازار و حمام و مسجد و تکیه، هم‌جوار است^{۲۶} و گاه حتی با آنها هم‌نام می‌شود، آنچه از شکل‌گیری مرکزی اجتماعی برای محله در پیرامون این میدان‌ها خبر می‌دهد.

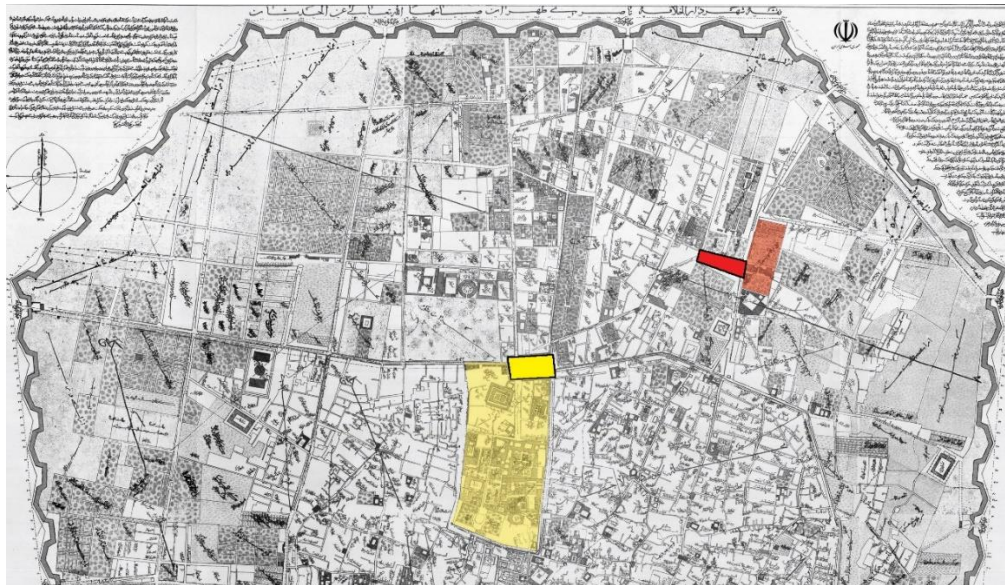
محدوده کارکرد برخی از این میدان‌ها، به واسطه موقعیت‌شان و اهمیت بناهای پیرامونشان در مقیاس شهر، از محدوده یک محله فراتر می‌رود. استقرار میدان در پیشگاه مساجد و مدارس مهم یا امامزاده‌های شهر می‌تواند بر دامنه اثرگذاری آن بیفزاید و آن را به میدانی در مقیاس شهر تبدیل کند.^{۲۷} ولی بسیاری از میدان‌های این دسته در مقیاس یک محله یا محدوده‌ای از آن مؤثر است و برخی از آنها حتی بنای عمومی شاخصی از محله را در پیرامون خود ندارد و احتمالاً صرفاً با خانه‌ها و املاک شخصی محاط می‌شود.^{۲۸} در این میان، میدان‌های بی‌شکلی که عرصه‌هایی پس‌مانده در حد فاصل خانه‌ها جلوه می‌کند، پرشمار است.

۵-۴- میدان مجلس

این دسته از انواع میدان فقط یک مصداق دارد: «میدان بهارستان».^{۲۹} این میدان مهم و مؤثر پایتخت

قاجاریه را نمی‌توان در زمره هیچیک از سه دسته مذکور گنجانید. اگرچه میدان بهارستان هم‌خانواده میدان توپخانه به نظر می‌رسد، در زمره «میدان‌های دربخانه» قرار نمی‌گیرد. «جلوخان نگارستان»، که عرصه گشاده‌ای در پیشگاه باغ سلطنتی نگارستان بود، پس از پیروزی انقلاب مشروطه و استقرار «مجلس شورای ملی» در شرق این عرصه، به تدریج به «میدان بهارستان» بدل شد. نقش و اهمیتی که مجلس ملی در سازوکار قدرت و همچنین زندگی شهر و کشور یافته بود، از اهمیت باغ سلطنتی نگارستان در این جلوخان کاست و آن را به عمارت تازه‌ای منتسب کرد که نویدبخش تحولی بنیادین در نظام اداره مملکت بود (اهری، ۱۳۹۴). نام‌های «جلوخان بهارستان»، «میدان بهارستان»، و «میدان مجلس» از ظهور عرصه تازه‌ای در پایتخت حکایت می‌کند^{۳۰} که ماحصل انقلاب مشروطه بود، انقلابی که مقرر بود مردم را در سازوکار حکومت دخیل کند و برای نخستین بار حریم اختصاصی قدرت را به روی همگان بگشاید. میدان بهارستان در پیشگاه بنایی قرار داشت که اگرچه نماینده رکن تازه‌ای از قدرت بود، جزیی از بساط سلطنت و مایملک شاه نبود. مجلس ملی از آن ملت و خانه ایشان بود و نه مقرر شاه و حکومت. به این ترتیب، میدان بهارستان، به رغم انتساب به رکنی از قدرت سیاسی، «میدان دربخانه» و «میدان حکومتی» نیست. این میدان در پیشگاه مجلس، «عمارت دارالامان و کعبه آمل مردم» (سالور، ۱۳۷۴: ۶۸۴۲)، مجالی فراخ برای شکل تازه‌ای از حضور مردم بود، مردمی که دیگر نه رعایای شاه که آحاد «ملت» بودند. به این ترتیب، میدان مجلس در رقابت با میدان دربخانه شاهی

میدان توپخانه جدید پایتخت) نوع تازه‌ای از میدان را در شهر قاجاری ظهور می‌بخشد. (اهری، ۱۳۹۴؛ توکلی، ۱۳۹۵؛ نوربخش، ۱۳۸۶) (تصویر ۸).



تصویر ۸- میدان بهارستان و میدان توپخانه در نقشه نجم‌الملک: مجموعه بهارستان و میدان پیشگاهش با رنگ قرمز و ارگ سلطنتی و میدان توپخانه با رنگ زرد نشان داده شده است. (مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۴؛ ترسیم مجدد از نگارندگان).

۶- نتیجه‌گیری

شهر تا عرصه‌هایی به نسبت خصوصی که هیچ نسبتی با زندگی شهر ندارند، را در بر می‌گیرد. همچنین این میدان‌ها طیفی از عرصه‌های کاملاً منظم و طراحی شده تا عرصه‌هایی سراسری شکل و نامنظم را شامل می‌شوند. به این ترتیب، هر عرصه نامسقف و گشاده در شهر که محدوده‌ای نسبتاً مشخص را شامل شود و مجالی برای فعالیت یا رویدادی فراهم آورد در دامنه فراخ مفهوم «میدان» در دوره قاجاریه می‌گنجد. طیف متنوع مصادیق این مفهوم در دوره قاجاریه را می‌توان، مبتنی بر بارزترین ویژگی‌ها و مهم‌ترین اشتراکات ماهوی موجود، در قالب انواعی ساماندهی و فهم کرد (جدول ۲). در این میان، چهار نوع اصلی قابل احصاء است: ۱. میدان حکومتی، ۲.

در این مقاله، مبتنی بر نقشه‌های تاریخی دوره قاجاریه و با رجوع به اسناد و منابع مکتوب درجه اول و دوم، به جستجوی دامنه مفهوم «میدان» و طیف مصادیق آن در این دوره پرداخته‌ایم. مبتنی بر یافته‌های این مقاله، «میدان» در دوره قاجاریه مفهومی کلان و منعطف است که به طیف متنوعی از عرصه‌های گشاده در شهر اطلاق‌پذیر است. تنوع کارکرد و فرم میدان شاهد گستردگی این مفهوم در این دوره است. این مفهوم نه به محدوده عرصه‌های عمومی شهر منحصر است و نه به فضاهای طراحی شده و منظم تحدیدپذیر است. میدان‌های این دوره از مهم‌ترین و زنده‌ترین عرصه‌های عمومی

است. این عرصه به تدریج در پیچ و خم بازار شکل می‌گیرد یا در اتصال و ارتباط با آن احداث می‌شود. این عرصه‌های گشاده با فرم مرکزیشان سازوکار دیگری از خرید و فروخت را در کنار فرم خطی بازار میسر می‌سازند که بر امکانات و قابلیت‌های آن می‌افزاید. این عرصه‌های پیوسته با بازار شهر در مقیاس شهر ایفای نقش می‌کنند. سوم، میدان محله است که نه به حکومت منتسب است و نه جزئی از بازار شهر است. این قبیل میدان‌ها درون محله‌های شهر پراکنده‌اند و طیف متنوعی از میدان‌های منظم تا بی‌شکل و نامنظم را شامل می‌شوند. این میدان‌ها ممکن است صرفاً در مقیاس محله ایفای نقش کنند یا به علت‌هایی چون مجاورت با بناهای مهم عمومی شهر فراتر از یک محله مؤثر باشند و مجالی برای رویدادهای مهم شهر شوند. چهارم، میدان مجلس است که عرصه نوظهور دوره مشروطه است و ذیل هیچیک از سه نوع دیگر میدان‌های شهر نمی‌گنجد. مجلس رکنی از قدرت است، ولی نه مقر شاه و حاکم که «خانه ملت» است؛ میدان مجلس نیز، در رقابت با میدان دربخانه، عرصه‌ای است که ملت سهم خود را در حکومت عیان می‌کند.

میدان بازار، ۳. میدان محله، و ۴. میدان مجلس. نخست میدان حکومتی است، میدانی که حکومت در برپایی آن سهم بوده، اجزایی از کالبد یا رویدادهای آن متعلق یا منسوب به حکومت است، و امکان نظارت بر آن و کنترلش برای حکومت میسر است. این نوع از میدان، خود، در قالب چهار نوع اصلی تبیین‌پذیر است: میدان دربخانه، میدان مشق، میدان اسب‌دوانی، میدان خادم. میدان دربخانه میدان جلوخان مقرر حکومت در شهر و عرصه واسط و واصل حاکم و زندگی شهر است و غالباً در زمره مؤثرترین و مهم‌ترین میدان‌های شهر قرار می‌گیرد. میدان مشق محل مشق نظامیان است و میدان اسب‌دوانی مکان برگزاری مسابقه اسب‌دوانی، مسابقه‌ای که شاه یا حاکم بانی آن است؛ هر دوی این میدان‌ها در مراسمی ویژه یا مواقعی از سال میزبان مردم شهرند. میدان خادم عرصه‌ای در خدمت عمارتی از مجموعه سلطنتی است و هویت مستقلی ندارد. این میدان تنها نوعی از میدان حکومتی است که با زندگی شهر نسبتی ندارد و محمل رویدادهای عمومی آن نمی‌شود. دوم میدان بازار است، میدانی که از اجزای دستگاه بازار شهر

جدول ۲- انواع مصادیق «میدان» در دوره قاجاریه (مأخذ: نگارندگان).

ویژگی‌های بارز			انواع	
مقیاس ایفای نقش	موقعیت معمول استقرار	فرم غالب		
شهر، کشور	پیشگاه مقرر حاکم	منتظم	۱. میدان حکومتی	
مجموعه حکومتی، شهر	—	منتظم	میدان دربخانه	
مجموعه حکومتی، شهر	در حاشیه شهر	منتظم	میدان مشق	
مجموعه حکومتی	درون مجموعه حکومتی	—	میدان اسب‌دوانی	
شهر	متصل به بازار اصلی شهر	—	میدان خادم	
محله، شهر	درون محله	—	۲. میدان بازار	
شهر، کشور	پیشگاه مجلس شورای ملی	منتظم	۳. میدان محله	
			۴. میدان مجلس	

نقشه‌های تاریخی دوره قاجاریه منابع غنی‌ای برای تعمق در مفهوم «میدان» هستند. در این مقاله، کوشیدیم دامنه این مفهوم و انواع مصادیقش را مبتنی بر این نقشه‌ها روشنی بخشیم. این نقشه‌ها همچنین امکان کم‌نظیری برای فهم «میدان» در شبکه اجزای شهر و در نسبت با اجزای مرتبط با آن فراهم می‌آورند و پیگیری تحولات این مفهوم را در این دوره میسر می‌سازند، تأملاتی که برای درک صحیح مفهوم «میدان»، به مثابه یکی از اجزای اصلی شهر در ایران، ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. همه مباحث این مقاله بر داده‌های نقشه‌ها مبتنی است، ولی در قالب محدود مقاله امکان درج تصویر نقشه‌ها در همه ارجاعات امکان‌پذیر نیست.

۲. در نقشه‌ای از سال ۱۲۹۲ق، که اردویی نظامی را در شمال قصر قاجار، در خارج حصار شهر، نشان می‌دهد، «میدان مشق افواج» مشخص شده است که محدوده‌ای نامحصور در حد فاصل «مسیل» و ردیف استقرار فوج‌های مختلف است. این محدوده مرز روشنی ندارد و از سمت شرق و غرب به چیزی محدود نیست (شیرازیان، ۱۳۹۴: ۲۳).

۳. «میدان طیاره» در نقشه زاهدان نمونه دیگری است که دامنه گسترده این مفهوم را نشان می‌دهد. این میدان محوطه مستطیل شکل وسیعی در منتهی‌الیه جنوبی شهر است که احتمالاً مکان اوج و فرود هواپیما یا نوعی فرودگاه بوده است. این نقشه در سال ۱۳۵۱ق/ ۱۳۱۱ش، هفت سال پس از انقراض قاجاریه و تأسیس پهلوی، تهیه شده، ولی همچنان می‌تواند از تلقی روزگار قاجاریه از «میدان» خبر دهد (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). تاریخ این نقشه در کتاب، به اشتهاب، ۱۳۱۱ق، مقارن ۱۸۹۲م، درج شده است. تاریخ روی نقشه ۱۳۱۱ش است که به اشتهاب تاریخ قمری تلقی شده و بر همین مبنا به میلادی برگردانده شده است.

۴. مبتنی بر نوشته‌های روی نقشه، نسخه فارسی و رنگی این نقشه در سال ۱۲۶۸ق به ناصرالدین‌شاه اهدا شد، ولی از آنجا که دروازه محمدیه و مسیر منتهی به آن در این نقشه وجود ندارد، به نظر می‌رسد تاریخ ترسیم آن به پیش از سال ۱۲۶۳ق، سال احداث دروازه، بازمی‌گردد و نمایانگر تهران دوره محمدشاهی است (شیرازیان، ۱۳۹۴).

۵. این نقشه، مبتنی بر نوشته‌های فوقانی‌اش، در سال ۱۲۷۵ق تهیه شده است.

۶. در نقشه‌های روس‌ها، نقشه‌هایی که بار نخست در کتاب اسناد تصویری شهرهای ایران چاپ شده، اساساً خواندن راهنمای نقشه ممکن نیست و کیفیت نقشه‌ها هم به حدی است که بسیاری از جزئیات صوری غیر قابل تشخیص است. بنا بر این، نمی‌توان فهمید که آیا راهنمای این نقشه‌ها شامل «میدان» شده است یا خیر؛ اگر هم چنین امکانی فراهم بود به علت کیفیت پایین نقشه‌ها، احتمالاً تشخیص و تفکیک علائم روی نقشه میسر نبود، ولی ترجمه فارسی نوشته‌های روی نقشه در کتاب آمده است؛ در غالب این نقشه‌ها به تعداد میدان‌های شهر اشاره شده، ولی صرفاً نام میدان‌های مهم ذکر شده و موقعیت آنها روی نقشه ثبت شده است. از آنجا که غالب این نقشه‌ها با اهداف نظامی تهیه شده‌اند و مهم‌تر از آن، ایرانیان در تهیه آنها دخالت نداشته‌اند، چنین رویکردی دور از انتظار نیست.

۷. نک: «میدان شاه» در پیشگاه «سرای همایون» در نقشه برزین - که همان «میدان ارگ و توپخانه مبارکه» در پیشگاه «دیوانخانه مبارکه» در نقشه کرشیش است؛ «میدان توپخانه مبارکه» در جانب شمالی ارگ سلطنتی در نقشه نجم‌الملک، که در نقشه‌های احمدشاهی از تهران با نام‌های «میدان توپخانه» و «میدان سپه» مشخص شده است؛ «حیاط توپخانه مبارکه» در جنوب «ارگ سرکاری» در نقشه قراجه‌داغی؛ «میدان شاه» در پیشگاه «دارالحکومه» و اجزای آن، «جباخانه» و «توپخانه»، در نقشه سیدرضا خان - که پیش‌تر در نقشه چیریکف هم آمده؛ «میدان درب‌خانه دیوانی» در پیشگاه «عمارات دیوانی» در نقشه ذوالفقار مهندس؛ «میدان بزرگ» در پیشگاه ارگ حکومتی و «دیوانخانه مبارکه» در نقشه دالمج؛ «میدان توپخانه» شیراز در پیشگاه ارگ کریم‌خانی، «میدان ارگ»

- بروجرد در پیشگاه ارگ حکومتی، «میدان توپخانه» کرمانشاه در پیشگاه عمارات حکومتی، چون «دیوانخانه» و «توپخانه»، در نقشه چیریکف؛ «میدان ارگ» کرمان در پیشگاه ارگ حکومتی در نقشه سایکس؛ «میدان قلعه» یزد، که در دوره محمدخان والی بازسازی شد، نیز در پیشگاه دیوانخانه قرار داشت و مکانی برای قضاوت و دیدار مردم با حاکم شهر بود. (فلاح، ۱۳۹۴)
۸. مجاورت میدان‌های توپخانه با مقر حکومت در شهر از ویژگی‌های این نوع میدان در شهرهای دوره قاجاریه است (نجفی، ۱۳۹۱).
۹. برای مثال، «میدان شاه» تهران «میدان ارگ»، «میدان دربخانه»، و «میدان توپخانه» نیز نامیده شده است. مصادیق این میدان‌ها در نقشه‌های دوره قاجاریه نیز فراوان است؛ برای مثال، نک: «میدان ارگ» در نقشه چیریکف از بروجرد و سلطان‌آباد، نقشه سایکس از کرمان، و نقشه کرشیش از تهران؛ «میدان دربخانه» در نقشه ذوالفقار مهندس از رشت؛ «میدان توپخانه» در نقشه چیریکف از شیراز و کرمانشاه، نقشه کرشیش و عبدالغفار و واگنر از تهران.
۱۰. غالب مهم‌ترین میدان‌های ایران پیش از دوره قاجاریه را نیز می‌توان در این دسته جای داد: میدان کهنه اصفهان، میدان صاحب‌آباد تبریز، میدان اسب (سعادت) قزوین، میدان شاه اصفهان (بابایی، ۱۳۹۸).
۱۱. نک: عرصه میانی «لشکرخانه» در نقشه کرشیش و «سربازخانه»های نقشه نجم‌الملک؛ پولاک، در سفرنامه‌اش، یکی از کارکردهای میدان شاه تهران (میدان توپخانه قدیم) را محل مشق و تمرین توپخانه برشمرده است (پولاک، ۱۳۶۸).
۱۲. «میدان مشق» تبریز در جوار «ارگ سرکاری» و میدان «مشق تهران» در جوار ارگ سلطنتی واقع بوده است (نک: نقشه‌های قراجه‌داغی و نجم‌الملک).
۱۳. جان ویشارد، پزشک آمریکایی، در سفرنامه‌اش مسابقات اسب‌دوانی دوشان‌تپه را از رویدادهای مهم اجتماعی تهران دانسته است (ویشارد، ۱۳۶۳).
۱۴. واژه «خادم» را جانشین تعبیر نادرست، اما مصطلح «خدماتی» کرده‌ایم. دو گانه «خادم» و «مخدوم» می‌تواند در توصیف فضاهایی در معماری به کار رود که در نسبت با یکدیگر کلیت بنا را ممکن می‌کنند؛ فضاهای خادم فضاهای پشتیبان فضاهای اصلی یا مخدوم بناست.
۱۵. منظور از فرم مرکزی تمرکز فضا حول نقطه‌ای واحد نیست؛ فضایی با فرم مرکزی ممکن است حول چند مرکز سامان یابد. فرم مرکزی در مقابل فرم خطی طرح می‌شود؛ اولی حول مرکز یا مراکز انتظام می‌یابد و دومی در امتداد مداری.
۱۶. در عنوان «میدان جناب امین‌السلطان» در نقشه نجم‌الملک عبارت «علافخانه و سبزی میدان» نیز ذکر شده است؛ همچنین «میدان علفخانه» در نقشه چیریکف از کرمانشاه و «میدان علاف‌خان» در نقشه چیریکف از سنه آمده است.
۱۷. برای این مصادیق، نک: نقشه‌های کرشیش، نجم‌الملک، قراجه‌داغی، و نقشه‌های چیریکف از شیراز و کرمانشاه و سنه.
۱۸. برای مثال، در نقشه کرشیش «میدان مال‌فروشان» بدون ردیف حجره‌های پیرامونی ترسیم شده است این نکته، از مقایسه این میدان با مثلاً «میدان کاه‌فروش‌ها» آشکار می‌شود؛ مثال دیگر، «میدان اسب‌فروشان» نقشه قراجه‌داغی است.
۱۹. در چند شماره از *روزنامه وقایع اتفاقیه* به بازار ویژه ماه رمضان در سبزه‌میدان اشاره شده که با چادر زدن کسبه در عرصه میدان همراه بوده است (نک: شماره‌های ۲۲۶، ۳۷۹، *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ۱۳۷۳).
۲۰. به نظر می‌رسد فرم مرکزی میدان‌ها به اندازه فرم خطی راسته‌ها در دستگاه بازار مؤثر و رایج بوده‌اند. میدان‌های متکثری که در کنار راسته‌های بازار در نقشه‌های دوره قاجاریه به چشم می‌خورد شاهدهی بر این تلقی است. یکی از مثال‌های بارز «میدان بازار بزرگ» دزفول در نقشه چیریکف است؛ این میدان محاط در ردیف دکاکین است و راسته‌بازارهایی از آن منشعب می‌شود. علامت «بازار بزرگ (بزرگ‌ترین بازار دزفول)» در چهار سوی میدان نشان داده شده، دال بر اینکه همین میدان بازار بزرگ شهر است. انتساب بازارها به میدان‌ها نیز از دیگر شواهد مستخرج از نقشه‌هاست که بر اهمیت میدان در دستگاه بازار گواهی می‌دهد. در راهنمای نقشه چیریکف از همدان و سنه و شوشتر به این نکته اشاره شده است. در نقشه همدان، در ذکر بازارهای شهر، به پنج نمونه از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کند که به پنج میدان شهر بازار میدان میرعاقل، بازار میدان بزرگ، بازار میدان کوچک، بازار

میدان شاه حسین، بازار میدان چوبی منسوب‌اند. در نقشه سینه نیز سه میدان مهم شهر را نام برده که در هر یک از آنها بازاری به همان نام موجود است: میدان‌های ولی، علاف‌خان، و کلیسا. همچنین، در نقشه شوشتر هر چهار میدان شهر را واجد بازاری به همان نام توصیف می‌کند که البته فقط از سه میدان نام می‌برد: میدان‌های مسگرخانه، قصابخانه، و رنگخانه.

۲۱. مثال دیگری از این دست «میدان قیصریه» تبریز است که در جوار میدان مشق و ارگ سرکاری و متصل به راسته‌ای از بازار شهر است. (نک: نقشه قراجه‌داغی تبریز) پیشینه این میدان ممکن است به همان میدان قیصریه‌ای بازگردد که در زمان اوزون‌حسن آق‌قویونلو ساخته شده است؛ میدان قیصریه اوزون‌حسن را میدانی «زیبا» و محل عرضه کالاهای نفیس توصیف کرده‌اند (شاردن، ۱۳۷۴)

۲۲. میدان وقت و ساعت، میدان امیرچخماق یزد، میدان گنجعلی خان کرمان از این جمله‌اند. میدان شاه اصفهان، میدان دولتخانه صفوی، هم چنین ویژگی‌ای دارد؛ پیوسته به بازار شهر و بخشی از آن است و بناهای عمومی، دو مسجد، در پیرامون خود دارد؛ ولی استقرار این میدان در پیشگاه دولتخانه صفوی وجه متمایزی به آن می‌بخشد و آن را از دیگر میدانی مذکور منفک می‌کند.

۲۳. سبزه‌میدان و میدان قاپوق تهران و میدان خان یزد از این قبیل‌اند (نک: سالور، ۱۳۷۴؛ فلاح، ۱۳۹۴).

۲۴. در شهر یزد، داروغه بازار مقری در میدان خان داشت و زندان کوچکی هم در میدان احداث کرده بود (فلاح، ۱۳۹۴).

۲۵. مانند: «میدان ویجویه» در محله ویجویه تبریز و «چال‌میدان» و محله‌اش در تهران.

۲۶. نک: «چال‌میدان» در نقشه کرشیش؛ «میدان دیزجی»، «میدان چوپور»، «میدان حاجی‌باقر»، «میدان انکج»، «میدان ویجویه»، «میدان حاجی‌رضا» در نقشه‌های قراجه‌داغی و مراغه‌ای.

۲۷. مانند میدان پیشگاه مسجد شاه و میدان هم‌جوار با امامزاده زید در محله بازار، میدان مدرسه مروی در محله عودلاجان، میدان در برگیرنده امامزاده سید نصرالدین در محله سنگلج تهران.

۲۸. این نکته از نقشه کرشیش قابل استنباط است. در این نقشه، جزئیات بسیاری از شهر تصویر شده، ولی در پیرامون بسیاری از میدان‌های پراکنده در محله‌ها هیچ بنای شاخصی نشان داده نشده است.

۲۹. نک: نقشه‌های نجم‌الملک، واگنر، نمایش مدارس تهران، که همگی تهران بعد از گسترش حصار را نشان می‌دهند و عرصه میدان مجلس در آنها قابل پیگیری است.

۳۰. در اسناد رسمی، چون نقشه‌ها، عنوان میدان یا جلوخان «نگارستان» تا اواخر دوره قاجاریه به کار رفته، ولی عنوان «بهارستان» برای این فضا از دوره پهلوی قابل پیگیری است (اهری، ۱۳۹۴: ۶۰)؛ اما در متون دوره قاجاریه عنوان «بهارستان» برای این عرصه یافتنی است. برای مثال، نک: هدایت، ۱۳۴۴: ۱۶۳، ۳۶۶؛ سالور، ۱۳۷۴: ۲۶۲۰، ۶۸۱۹ — ۶۸۲۱، ۶۸۴۰ و ۶۸۴۱؛ برای تعبیری چون «جلوخان مجلس» یا «میدان مجلس» در دوره قاجاریه، نک: سالور، ۱۳۷۴: ۱۹۰۰، ۶۶۲۹.

منابع

- اعتمادالسلطنه، میرزا محمد حسن بن علی. (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. تهران: امیرکبیر.
- اسدپور، علی. (۱۳۹۷). میدان و شهر؛ سرگذشت میدان‌های توپخانه از تهران تا شیراز. تهران: نیارش.
- اهری، زهرا؛ حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). میدان بهارستان، تجربه نوآوری در فضای شهری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بابایی، سوسن. (۲۰۰۸). اصفهان و کاخ‌هایش: کشورداری، تشیع و معماری بزم در آغاز دوران ایران مدرن. ترجمه مصطفی امیری (۱۳۹۸). تهران: فرهنگ جاوید.
- بروگش، هاینریش. در سرزمین آفتاب. مترجم: مجید جلیلود (۱۳۷۴). تهران: نشر مرکز.

- توسلی، محمود. (۱۳۶۵). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- توکلی، نازآفرین. (۱۳۹۵). تعامل رویدادهای مشروطه و تحولات فضایی تهران (پایان‌نامه منتشرنشده دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
- پولادک، یاکوب ادوارد. سفرنامه پولادک: ایران و ایرانیان. مترجم: کیکاووس جهاننداری (۱۳۶۸). تهران: خوارزمی.
- دامن‌پاک جامی، مرتضی. (۱۳۹۵). اطلس نقشه‌های منتخب دوره قاجار. تهران: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- سالور عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. تهران: اساطیر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۰). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- روزنامه ایران. (۱۳۷۴). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- روزنامه دولت علیه ایران. (۱۳۷۰). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. (۱۳۷۳). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- شاردن، ژان. سفرنامه شاردن، ج ۲. مترجم: اقبال یغمایی (۱۳۷۴). تهران: توس.
- شیرازیان، رضا. (۱۳۹۴). اطلس تهران قدیم. تهران: دستان.
- فخاری تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۵). بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز. تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- فلاح، شیوا. (۱۳۹۴). خوانش میدان‌های شهری یزد دوره قاجار از منظر روابط نیروهای اجتماعی - سیاسی (پایان‌نامه منتشرنشده دوره کارشناسی ارشد). دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
- مدنی‌پور، علی. (۲۰۰۳). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، مترجم: فرشاد نوریان (۱۳۸۹). تهران: سازمان فن آوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- معتمدی، محسن. (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مهریار، محمد؛ فتح‌الله‌یف، شامیل و فخار تهرانی، فرهاد. (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- نجفی، مهنام. (۱۳۹۲). میدان توپخانه دارالخلافه ناصری: ذهنیت ایرانی و راه‌آورد دیگری. تهران: روزنه.
- نجفی، مهنام. (۱۳۹۱). شکل‌گیری الگوی فضایی میدان توپخانه در شهر قاجاری. فصلنامه صفا. (۵۶): ۱۲۱-۱۳۳.
- نوربخش، هدیه. (۱۳۸۶). عرصه‌ها و نهادهای شهری در تهران عصر مشروطه. گلستان هنر. (۹): ۵۲-۶۱.
- ویشارد، جان. بیست سال در ایران. مترجم: علی پیرنیا (۱۳۶۳). تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
- Babaei, Susan; Grigor, Talinn. (2015). *Persian Kingship and Architecture: Strategies of Power in Iran from the Achaemenids to the Pahlavis*. London: I.B.Tauris.
- Sykes, Percy Molesworth. (1902). *Ten Thousand Miles in Persia or Eight Years in Iran*. London: J. Murray.

Maidan: Understanding its Conceptual domain and the range of it's instances in Qajar period, Based on Historical Maps

Mahnam Najafi¹, Reza Shakouri^{2*}

1- Ph. D. Candidate, Department of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Art University, Tehran, Iran.

Abstract

The purpose of this paper is to understand the conceptual domain of “maidan” (the Persian square) and the range of it's instances in Qajar Iran based on historical maps. Modern mapping in Iran began in the Qajar period and resulted in producing accurate maps with unprecedented detail of Iran's cities. These maps are great sources to understand the elements of the city in this period of time because they illustrate each element within the network of the interconnected elements which shapes a city. Maidan, as one of the main elements of Qajar city, has an important role in many of these maps, which makes these maps valuable sources for exploring the concept of maidan in Qajar Iran. There are almost thirty historical maps of cities in Qajar Iran and maidan can be found in 21 of them. These maps are potentially great sources for understanding firstly, the conceptual domain of this concept and secondly, the different types of its instances. To do so, we identify the different instances of maidan in these maps, study their forms and characteristics, and interpret their roles and function in the network of the city elements. Moreover, to develop and deepen these findings, we refer to the primary and secondary written sources and historical photos that can help. In this survey, firstly, we illuminate the conceptual domain of maidan and try to describe its meaning; Then, based on the high frequency and prominent characteristics of the instances, we explain the main types of maidan in this period of time. So, based on historical maps and helped by other sources, we interpret the concept of maidan in its socio-historical context by using the Interpretive historical research method. The results of this research, first, show the extensive and flexible field of the concept of maidan in Qajar Iran and let us redefine it: every open and unroofed space in a city which includes a distinguishable area and provide an opportunity for activities or events. Second, they describe the main types of maidan in four categories: royal maidans, maidans of the bazaar, maidans of Neighborhoods, maidan of the parliament.

Keywords: maidan (square), Qajar period, historical maps, conceptual domain, types

*Email: rezashakouri@gmail.com